



اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۴۹

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای محمد جعفری

مقدمه

در درس پیشین اشاره‌ای به معانی مستقل و معانی غیرمستقل شد و بیان شد که هیئات و حروف دارای معانی غیرمستقل می‌باشند. در این درس معنای حرفی و معنای اسمی در اصطلاح علم اصول تبیین شده و تفاوت هر یک از این دو معنا از یکدیگر توضیح داده می‌شود. در پایان نیز به بررسی نظریه مرحوم نائینی در مورد تفاوت این دو معنا پرداخته و آن را نقد می‌کنیم. اما لازم به ذکر است که مراد از معنای حرفی، آن خصوصیتی است که در مدلول تمامی حروف مانند «فی»، «من»، «علی» و... و نیز در مدلول‌های تمامی هیئات وجود دارد و همه حروف و هیئات در آن، مشترک می‌باشند. بنابراین بحث در معنای مختص به «فی»، «من»، «علی» و نیست.

متن درس

[و الهيئات و الحروف عموما لا تستقل معانيها بنفسها لأنها من سنخ النسب و الارتباطات]

و يصطلح أصوليا على التعبير بالمعنى الحرفي عن كل نسبة، سواء كانت مدلوله للحرف أو لهيئة الجملة الناقصة أو لهيئة الجملة التامة، و بالمعنى الاسمي عما سوى ذلك من المدلولات. و يختلف المعنى الحرفي عن المعنى الاسمي في أمور منها: ان المعنى الحرفي باعتباره نسبة و كل نسبة متقومة بطرفيها فلا يمكن ان يلحظ دائما إلّا ضمن لحاظ طرفي النسبة، و اما المعنى الاسمي فيمكن ان يلحظ بصورة مستقلة.

و قد ذهب المحقق النائيني (رحمه الله) إلى التفرقة بين المعاني الاسمية و المعاني الحرفية بان الأولى إخطارية و الثانية إيجادية. و المستفاد من ظاهر كلمات مقرري بحثه أن مراده بكون المعنى الاسمي إخطاريا، أن الاسم يدل على معنى ثابت في ذهن المتكلم في المرتبة السابقة على الكلام، و ليس دور الاسم الا التعبير عن ذلك المعنى، و مراده بكون المعنى الحرفي إيجاديا ان الحرف أداة للربط بين مفردات الكلام فمدلوله هو نفس الربط الواقع في مرحلة الكلام بين مفرداته، و لا يعبر عن معنى أسبق رتبة من هذه المرحلة، و من هنا يكون الحرف موجدا لمعناه لأن معناه ليس الا الربط الكلامي الذي يحصل به.

و هذا المعنى من الإيجادية للحرف واضح البطلان لأن الحرف و ان كان يوجد الربط في مرحلة الكلام و لكنه انما يوجد ذلك بسبب دلالة على معنى، أى على الجانب النسبي و الربطى في الصورة الذهنية و نسبته إلى الربط القائم في الصورة الذهنية على حد ربط الاسم بالمعاني الاسمية الداخلة في تلك الصورة، فلا تصح التفرقة بين المعاني الاسمية و الحرفية بالإخطارية و الإيجادية. نعم هناك معنى آخر دقيق و لطيف لإيجادية المعاني الحرفية تتميز بها عن المعاني الاسمية تأتي الإشارة إليه في الحلقة الثالثة ان شاء الله تعالى.

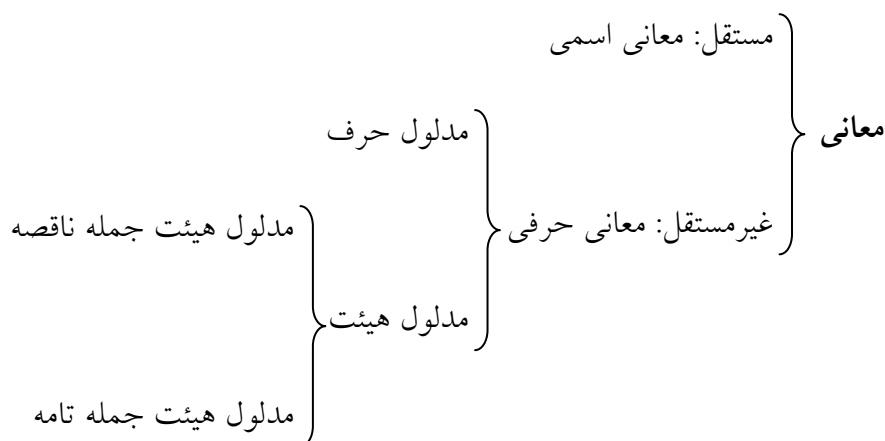
معانی اسمی و معانی حرفی

در درس قبل بیان شد که هیئات و حروف از آنجا که دارای معانی ربطی بوده و دال بر نسبت می‌باشند، معانی مستقلی ندارند.

حال باید دانست که در علم اصول، به تمامی نسبت‌ها و معانی ربطی، «معانی حرفی» اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، مراد از معانی حرفی در علم اصول، تمامی معانی غیرمستقل و ربطی می‌باشد؛ چه این معنا مدلول حرف باشد و چه مدلول هیئت جمله ناقصه و چه مدلول هیئت جمله تامه و مراد از معانی اسمی نیز معانی مستقل می‌باشد، بنابراین تمامی معانی، غیر از آن چه حروف و هیئات بر آن دلالت دارند، معانی اسمی می‌باشند.

با توجه به مطلب فوق می‌توان گفت، اختلاف معانی حرفی و اسمی در این است که معانی حرفی معنایی است که نمی‌توان آن را به صورت مستقل تصور کرد؛ زیرا معانی حرفی، نسبت است و نسبت، همیشه قائم به دو طرف می‌باشد؛ به گونه‌ای که تا اطراف نسبت لحاظ و تصور نشود، تصور نسبت غیرممکن خواهد بود و به همین علت است که معانی حرفی را معانی غیرمستقل می‌نامیم. اما معانی اسمی، معانی مستقل بوده و مستقلاً قابل تصور و لحاظ می‌باشند.

FG



تطبيق

و يصطلح أصولياً على التعبير بالمعنى الحرفي عن كل نسبة، سواء كانت مدلولاً للحرف أو لهيئة الجملة الناقصة أو لهيئة الجملة التامة، و بالمعنى الاسمي عما سوى ذلك^۱ من المدلولات.

در علم اصول این گونه مصطلح است که از هر نسبتی به معانی حرفی تعبیر می‌شود؛ چه این نسبت، مدلول حرف باشد و چه مدلول هیئت جمله ناقص و چه مدلول هیئت جمله تام (و چه هیئت کلمه مرکب یعنی فعل و شبه فعل) و از معانی دیگر (غیر از مدلول‌های حروف و هیئات) به عنوان معانی اسمی یاد می‌شود. و یختلف المعنى الحرفي عن المعنى الاسمي في أمور منها: ان المعنى الحرفي باعتباره نسبة و كل نسبة متقومة بطرفيها فلا يمكن ان يلحظ دائماً إلّا ضمن لحاظ طرفي النسبة، و اما المعنى الاسمي فيمكن ان يلحظ بصورة مستقلة.

^۱. مشارالیه: مدلول حرف و مدلول هیئت جمله ناقصه و تامه

معنای حرفی و اسمی در چند چیز تفاوت دارند؛ یکی این که معنای حرفی به اعتبار آن که نسبت است و هر نسبتی قائم به دو طرف آن است، همواره این گونه است که تنها در ضمن دو طرف نسبت قابل ملاحظه و تصور است، اما معنای اسمی می‌تواند به صورت مستقل ملاحظه و تصور شود.

تفاوت معانی اسمی و حرفی از نظر مرحوم نائینی^(ره)

بنا بر آن چه بیان شد، تفاوت معنای اسمی و حرفی این است که معنای اسمی، معنایی مستقل و معنای حرفی، معنایی غیرمستقل می‌باشد. اما مرحوم نائینی قائل به تفاوت دیگری بین این دو است. ایشان فرموده‌اند: معنای اسمی، خطاری و معنای حرفی، ایجاد می‌باشند. طبق آنچه شاگردان ایشان از مباحث وی تقریر نموده‌اند، مراد ایشان از این دو اصطلاح چنین است: اسم^۱ بر معنایی دلالت می‌کند که قبل از تکلم، در ذهن متکلم ثابت است و کلمه فقط آن معنا را اخطار می‌نماید، به همین علت معنای اسمی را معنای خطاری نامیده است.^۲

مراد ایشان از ایجادیت نیز این است که حرف، ابزاری برای ایجاد ربط بین معنای اسمی در کلام می‌باشد. مثلاً وقتی متکلم خانه‌ای را در ذهن خود تصور می‌کند و بعد انسانی را در آن تصور می‌نماید، هنگام سخن، کلمه «انسان» را به کار می‌برد که معنای آن پیش از سخن در ذهن او نقش بسته بود و کلمه «دار» را نیز استعمال می‌کند تا بر معنایی که پیش از تکلم در ذهن او وجود داشت دلالت کند. این دو کلمه بر دو معنا که پیش از تکلم در ذهن او وجود داشته است دلالت می‌کنند.

اما وقتی انسان با این دو کلمه مواجه می‌شود، احساس می‌کند با دو مفهوم مستقل و بی‌ربط مواجه شده؛ لذا برای اینکه متکلم بین این دو مفهوم مستقل - که مدلول این دو کلمه است - ربط ایجاد کند، از حرف «فی» استفاده می‌کند و می‌گوید: «الانسان فی الدار». نقش «فی» در کلام این است که بین «الانسان» و «الدار» در مرحله تکلم، ایجاد ربط می‌کند و بیان می‌کند که «الدار» ظرف «الانسان» است. به همین خاطر وقتی مخاطب این کلام را می‌شنود با دو کلمه بی‌ربط برخورد نمی‌کند. اما این ارتباط در مرحله تکلم ایجاد شد و سابقه‌ای در ذهن متکلم نداشت، بر خلاف معنای اسمی که چیزی را در مرحله کلام ایجاد نمی‌کند، بلکه آن معنایی را که قبل از تکلم در ذهن متکلم وجود داشت، به ذهن مخاطب خطور می‌دهد.

Sco1:08:14

تطبیق

و قد ذهب المحقق النائینی (رحمه الله) إلى التفرقة بين المعانی الاسمية و المعانی الحرفية بان الأولى إخطارية و الثانية إيجادية. مرحوم نائینی قائل است که تفاوت معنای حرفی و اسمی در این است که معنای اسمی، خطاری و معنای حرفی، ایجاد می‌هستند.

^۱ . مراد از اسم هر لفظی است که دال بر معنای اسمی باشد؛ زیرا در علم اصول، کلمه بر اسم و فعل و حرف تقسیم نمی‌شود و آن چه برای اصولی مهم است، معنای اسمی و معنای حرفی است.

^۲ . ر.ک: فوائد الاصول، ۱ / ۳۷

و المستفاد من ظاهر كلمات مقرری^۱ بحثه أن مراده بكون المعنى الاسمى إخطاريا، أن^۲ الاسم يدل على معنى ثابت فى ذهن المتكلم فى المرتبة السابقة على الكلام، و ليس دور الاسم الا التعبير عن ذلك^۳ المعنى.

آنچه از ظاهر كلمات تقرير کنندگان بحث ایشان استفاده می‌شود این است که مراد ایشان از اخطاری بودن معنای اسمی این می‌باشد که اسم دلالت می‌کند بر معنایی که در ذهن متکلم در مرتبه قبل از کلام ثابت است و نقش اسم فقط تعبیر از آن معنا می‌باشد.

و مراده بكون المعنى الحرفى إيجاديا ان الحرف أداة للربط بين مفردات الكلام، فمدلوله^۴ هو نفس الربط الواقع فى مرحلة الكلام بين مفرداته

و مراد ایشان از این که معنای حرفی ایجاد می‌باشد، این است که حرف،^۵ ابزار و وسیله ربط بین الفاظی است که در کلام^۶ واقع شده‌اند. بنابراین مدلول حرف همان ربطی است که در مرحله تکلم بین مفردات^۷ کلام ایجاد می‌شود.

و لا يعبر عن معنى أسبق رتبة من هذه^۸ المرحلة، و من هنا يكون الحرف موجدا لمعناه لأن معناه ليس الا الربط الكلامى الذى يحصل به^۹.

و حرف از معنایی که قبل از مرحله کلام باشد تعبیر نمی‌کند، بلکه ایجاد کننده معنای خود می‌باشد؛ زیرا معنای حرف فقط ربط کلامی است که این ربط به واسطه حرف ایجاد می‌شود.

Sco۲:۱۵:۵۵

اشکال نظریه مرحوم نائینی (ره)

چنانچه گذشت، مرحوم نائینی این گونه بین معنای اسمی و حرفی تفاوت می‌گذارند که معنای اسمی را معنای اخطاری و معنای حرفی را معنای ایجاد می‌باشند.

شهید صدر این تفاوت را نپذیرفته و قائلند این تفاوتی که بیان شد- البته با توجه به آن چه شاگردان مرحوم نائینی تقریر کرده‌اند- مخدوش است و این گونه نیست که حرف اخطار معنا نکند، بلکه حرف نیز بر معنایی که در ذهن متکلم نقش بسته بود دلالت می‌کند؛ زیرا همان طور که «الانسان» و «الدار» دلالت بر معنایی می‌کند که قبل از کلام،

^۱. لفظ «مقرری» را به تنه و جمع می‌توان خواند ولی به تنه صحیح تر است؛ زیرا در زمان شهید صدر دو تقریر از مرحوم نائینی چاپ شده که فوائدالاصول توسط مرحوم کاظمی و اجودالتقریرات توسط مرحوم خوئی نگاشته شده‌اند.

^۲. ان و اسم و خبرش به تأویل مفرد رفته و خبر «ان» در عبارت قبل می‌باشد.

^۳. مشارالیه: معنای ثابت قبل از تکلم

^۴. مرجع ضمیر: حرف

^۵. و البته هیئات

^۶. مراد الفاظی است که دال بر معنای مستقل و اسمی می‌باشند.

^۷. یعنی: الفاظی که در کلام واقع شده‌اند.

^۸. یعنی: در مرحله تکلم

^۹. مرجع ضمیر: حرف

در ذهن متکلم وجود داشته، لفظ «فی» هم بر معنایی دلالت می‌کند که قبل از کلام در ذهن موجود بوده است؛ یعنی قبل از کلام، در ذهن متکلم، رابطه ظرفیت بین «انسان» و «دار» وجود داشته است. به بیان دیگر، آنچه قبل از تکلم در ذهن گوینده نقش بسته است، دو مفهوم بی‌ربط از یکدیگر نبوده، بلکه رابطه آن دو مفهوم، در ذهن او مشخص بوده است. به این ترتیب که «الدار» ظرف «الانسان» می‌باشد. در نتیجه قبل از گفتار در ذهن گوینده سه مفهوم موجود بوده است، دو مفهوم مستقل و یک مفهوم رابط که همان معنای حرفی می‌باشد.

تطبیق

و هذا المعنى من الإيجابية للحرف واضح البطلان لأن الحرف و ان كان يوجد الربط فى مرحلة الكلام و لكنه انما يوجد ذلك^۱ بسبب دلالاته على معنى

این معنا از ایجادیت برای حرف واضح البطلان است؛ زیرا حرف اگر چه در مرحله کلام ربط ایجاد می‌کند، لکن به خاطر دلالتش بر معنا این ربط را ایجاد می‌کند.

أى على الجانب النسبى و الربطى فى الصورة الذهنية و نسبتة إلى الربط القائم فى الصورة الذهنية على حد ربط الاسم بالمعنى الاسمية الداخلة فى تلك الصورة^۲

یعنی به خاطر دلالتش بر نسبت و ربطی که در صورت ذهنی وجود دارد، ربط را ایجاد می‌کند. و نسبت حرف با ربطی که در ذهن وجود دارد مانند ربط اسم است با معانی اسمی‌ای که در ذهن وجود دارند.

فلا تصح التفرقة بين المعانى الاسمية و الحرفية بالإخطارية و الإيجابية. نعم هناك معنى آخر دقيق و لطيف لإيجابية المعانى الحرفية تتميز بها عن المعانى الاسمية تأتى الإشارة إليه فى الحلقة الثالثة ان شاء الله تعالى.

بنابراین، فرق گذاشتن بین معانی اسمی و حرفی به اخطاریت و ایجادیت، صحیح نمی‌باشد. البته معنای دقیق و لطیفی برای ایجادیت معانی حرفی وجود دارد که به واسطه آن از معانی اسمی متمایز می‌شود که انشاء الله در حلقه ثالثه به آن معنا اشاره می‌کنیم.

Scor: ۲۵:۵۵

^۱. مشارالیه: ربط در مرحله کلام

^۲. یعنی: صورت ذهنی

چکیده

۱. در اصطلاح اصولی، معنای حرفی شامل تمامی نسبتها و معانی ربطی است؛ اعم از آن که این معنا، مدلول حرف باشد و یا مدلول هیئت.
۲. تفاوت معنای حرفی و اسمی در این است که معنای حرفی غیرمستقل بوده و به تنهایی قابل تصور نیست، اما معنای اسمی معنایی مستقل می باشد که به تنهایی می توان آن را ملاحظه و تصور نمود.
۳. بنا به نظر مرحوم نائینی تفاوت معنای اسمی و حرفی در این است که معنای اسمی، اختطاری و معنای حرفی، ایجاد می باشد.
۴. مراد از اختطاریت معنای اسمی این است که اسم دلالت بر معنایی می کند که قبل از تکلم در ذهن وجود دارد.
۵. مراد از ایجادیت معنای حرفی این است که حرف (و هیئت) دلالت بر ایجاد ربط بین معانی اسمی می کند.
۶. حق این است که حرف نیز دلالت بر اختطار معنا می کند؛ زیرا معنای آن قبل از تکلم در ذهن متکلم وجود دارد.